

( بخش ۳ )

# کاپیسا در نظر ششمین هوی

قبلاً خدمت خوانندگان محترم کاپیسا را از نقطه نظر موسیور ینتی گروسپی معرفی کردیم آنچه وی در کتاب خود موسوم به در نشان قدم بودا را جمع به کاپیسا نگاشته بود ترجمه و از تتبع خود آنچه مناسب موضوع بود و فیصد صد به آن رابطه مستقیم داشت افزودم و در فید نگارش آوردم نویسنده فرانسوی مذکور از حبات سیاح و زائر چین هیون تسانگ آغاز سخن کرده و در اطراف کاپیسا پیچیده است و نظریات شخصی خود را بر این افزوده است من بقدر توان و تتبع خود از زاویه نگاه وی ورفی چند راجع بسکاپیسا ترتیب و تحت مطالعه خوانندگان و علاقمندان تاریخ باستانی کشور فرار

دادم اینک باز عین همان موضوع را از نقطه نظر سیاح دیگری موسوم به ششمین هوی لی نجت نگارش فرار میدهم و آن را حتی الامکان حلاجی کرده به عرض مطالعه قارئین گرام میگذارم خدا کند حسب دلخواه شان ترتیب یافته و بتواند به معلومات تاریخی شان افزایش نماید.

ناگفته نماند که در این کتاب سیاح نیز از مطالب هیون تسانگ شروع کرده و دامنه صحبت را طرف کاپیسا میکشاند یا به عبارت دیگر بدست هیون تسانگ داده کاپیسی باستانی کشور عزیز ما را تماشا و مطالعه میکند و نظریات خود را بر آن علاوه کرده اخیراً فصلی راجع بسکاپیسا می نگارد معیناً با وجود تشابه موضوع نخواستم از آن فرو گذاشت نموده از نقطه نظر وی نگاه بسکاپیسا نمایم اینست که موضوع سر دست مطالعه کاپیسا از نقطه نگاه مورخ موصوف است چه این متتبع کتابی موسوم به حبات هیون تسانگ بسک تجریر در آورده است که سال ۱۹۱۱ ع مجدداً در لندن بطبع رسیده و بسال ۱۹۱۴ ع نشر و بدست رس استفاده عموم گزارده شده است. کتابی است مضبوط و موثوق و آن از کتاب خانه موسیو دومان سویچ پولیندی که چندی با کوانته اد بیان سمت استادی داشت بدستم افتاد و سرمایه خوبی است را جمع بتاریخ باستانی ما می رویم تا کاپیسا را در آن مطالعه کنیم.

هیون تسانگ زائر و سیاح مشهور چینی بعد از (۱۵) روز توقف در بامیان از آنجا رخصت سفر بر بست و خط مشی خود را باستقامت جنوب سلسله جبال هندو کش ترسیم نموده و رهسپار کاپیسا گردید. بروز دویم سفرش دفعتهاً هوا مخالف شده بطوفان ناگهانی

برف مواجه شد راهش را گم کرد مایو سانه بهرسو تسکا بوداشت ، تا اینکه با لآخر بتیه یا صخره رسیده با چند تن از شکاریان برخورد نمود برهنه مونی آنان از سلسله جبال سیاه گذشته وارد حوزه کایسا شد .

دران روزگاران کایسا دارای چهار هزار لی مساحت بود (طبق بیان فاهیان یک لی مساوی ۵۴۹ یا ۷۳۱ متر است مترجم فارسی) که شمالاً بکوه‌های پر برف تماسی داشت . زمام حکومت و اداره کایسا بدست قدرت طبقه عسکری - احراریون که به نام کشاتریو یاد می شدند ، بود . شاه کایسا مرد عیار و هوشیاری بود که بتدبیر و سیاست خویش کامیابانه تقریباً ده کشور دور و نزدیک را تحت سلطه خود در آورده و اداره میکرد . آوانیکه هیون تسانگک وارد مرکز حکومتی کایسا میگردد یاد شاه کایسا با کافه روحا نیون باستقبال زائر چینی از شهر بیرون بر آمده و با احترام کامل از وی پذیرائیها نمود .

دران آوان مرکز کایسا تیکه عبارت از بگرام امروزه یا کایسی دیروز است دارای چندین صد مؤسسات و عمارات مذهبی بود . هر یک ازین معابد روحانی بزرگی از خود داشته که با پیروان و علاقه مندان دینی و مذهبی خود بایک عالم هیاهوی دران جا بر می بردند و عبادت و خبر و سخا روزها را شام و شام ها صبح میکردند باشندگان و مسکونین اینتبه مذهبی و اهل شهر و گذر راجع به پذیرائی و گرم جوشی زائر مذکور از هم دیگر سبقت می جستند حتی نسبت به پذیرائی و مهمان نوازی وی باهم منازعه ها و گفتگوها مینمودند چه هر یک میخواست تا در صومعه خود از وی پذیرائی کرده و آن را مهمان سرای وی فرار دهد و به آن افتخار نماید .

از جمله معابد کایسا معبد شلوکیا که بطریق کوچک نجات متعلق بود دران وقت شهرت سزا داشت که تا کنون نیز نام این معبد زنده مانده و از نقطه نظر قدامت و مذهب بودائی ارزش نهائی داشت معبد شلوکیا منزلی باشکوه و مجللی بود که در مرکز حکومت کایسا موقعیت داشته و مشهور جهان گردیده بود راجع بمعبد مذکور حکایات و افسانه‌های دور و درازی روایت کرده اند که بعضی ازان حیرت انگیز است . یکی ازان روایات مستند و تاریخی اینست که آنهم دال بر سکونت پذیرفتن هیون تسانگک در ان معبد میباشد چنانچه حکایت کنند :

این معبد در ازمنه خیلی دور ازان روزگاران ( قبل از وقت سیاحت و زیارت هیون تسانگک ) بنا یافته بود معبد مذکور فقط از طرف شاه کایسا جهت بود و باش و عبادت پرغملان یا نمایندگان چینی که عبارت از شهزادگان امیرا طوری هن در چین بودند ، تعمیر شده بود . تنها آن معبد محل استقامت و فرار گاه آنها بود ازین جهت روحانیون و موکلین معبد بیشتر اصرار داشتند تا زائر مذکور دران محل سکونت اختیار کند . چه آنها به هیون تسانگک میگفتند که : معبد ما اساساً جهت آرامگاه پسران امیرا طور هن بنا یافته و اکنون که شما ازان کشور سیاحت و زیارت بر آمده اید پس شمار است که از همه اولتر با ما توقف نمائید و در این معبد رحل اقامت افکنید .

قبلاً گفتیم که بنا بر مهمان نوازی و پذیرائی زائر چینی کار روحانیون و مؤکلین

این مذهب بکشمکش و جدل کیش شده بود تا این که استاد قانون (۱) از مشاهده این همه اوضاع و کشمکش های جدل آمیزشان سخت برآشفته و فلجاً متاثر گردید این نکته را نیز بغاظر داشت که وی از عقیده تمدان درجه اول مذهب بودا و پیر و طریق کوچک نجات (۲) بوده اعتقاد کاملی بدان طریق داشته و ضمناً خود را از پیش آهنگان آن مسلک میسرمد از جانب دیگر چون وی بود و معتقد طریق کوچک نجات مذهب بودائی بود که بنا بر قوانین و اصول مذهبی نمیتوانست با آنانیکه پیرو طریق بزرگ نجات مذهب بودا بودند آمیزش و اختلاط نماید و با آنها سکونت اختیار کند این همه روحانیون که به نسبت پذیرائی وی در معابد خود شان با هم گفتگو و مباحثه ها داشتند جملگی از معتقدین طریق بزرگ نجات بودند تا اینکه اخیراً زایر مذکور جهت رعایت مسلک از آنان کناره گیری اختیار کرده حسب استشاره و اصرار دسته از روحانیون بمعبدی که جهت آرامش بر غملان چینی بامر شاه کاپیسا بدست خود شان تعمیر و بنا یافته بود سکونت گرفت خویشان را از آن همه تکالیف رهائی بخشید کشمکش ها خاتمه پذیرفت .

علاوه از بیانات فوق راجع باین مبد تاریخی کاپیسا مطلب ذیل را نیز علاوه کنند که هنگام تعمیر معبد شلو کجا بدست شهزادگان چینی مقدار هنگفتی از جواهرات گران بهادر بنای مذکور توسط ایشان دفن شده بود در سمت جنوب شرقی درب معبد سالون بزرگی بنام سالون بودا تعمیر و مجسمه یادگار بزرگ روحانی در آن گزارش یافته بود که در تحت پاهای مجسمه مذکور جای دفته جواهرات قیمت بهارا تخمین کنند و تبصره نمایند که آنها گنجینه را در مجل مذکور از جهتی دفن نموده بودند تا روزی برای تعمیر دو باره و ترمیم معبد شلو کجا عند لزوم بکار رود و به اوقات مناسب ازان استفاده بعمل آید چه مقدار گزافی از جواهرات قیمتی را که بخوبی میتوانست از عهده ترمیم و تعمیر چندین باره آن بنا بدر آید از طرف شهزادگان مذکور ایثار و در آن مجل بودیعه نهاده شده بود روحانیون آن روزی ازین رویه نیکوی شان نهایت ممنون و مرهون گردیدند که جهت ادای حقوق و یاداش احسان شهزادگان چینی در دیوارهای معبد تصاویر شان را رسم کرده و صومعه را از نقش صورتهای زیبای شان زینت و آرایش بخشیدند خلاصه بدین وسیله امتنان و سپاسگذاری و احساسات بی آرایش خود را ترجمانی کردند و اسمای آنها را زنده ساختند تا گفته نماند که پس از اختتام دوره استراحت و مبعاد تعطیل عمومی (در اوقات بارانی روزهای استراحت و آرامش عمومی مردمان شروع میگردد) حسب معمول مجلس بزرگی

(۱) استاد قانون عبارت از مقنن بزرگی بود که بر همه طرق و اصول مختلفه مذهب بودا احاکیت و اختیارات تامه داشت بیارگام سلطنتی کاپیسا محترمانه بسرمی برد و اغلباً مراد از همان زائر چینی هیون تسانگ است که معتقد طریق کوچک نجات میباشد .

(۲) دین بودا بدو طریق تقسیم و خلاصه شده که عبارت از طریق بزرگ نجات و طریق کوچک نجات است. هر دو طریق در کاپیسی باستانی دارای پیروان بیشماری بود که در پاورقی قسمت اول کاپیسا شرح طرق نجات مذهب بودائی گذشت تا تکرار آن تحصیل حاصل است و متتبع

فرزندان پیرو بر نا و ذکور و اثاث کایسا بریا میکردند گرد هم جمع شده کافرانش ها می دادند و نطق های مفید و جذاب که آمیخته با تصوف و اخلاقیات می بود ایراد میکردند تمام نفوس حوزه کایسا جهت شنیدن موعظه و دادن خطابه ها، قرائت کتب دینی و سرودن نغمات شیرین عشقی و مذهبی که از احساسات قلبی و روح تصوفی شان نمایندگی میکرد جمع می شدند و باهم گرم جوشی ها میکردند و طرح مصاحبه می افکندند. قوانین عمومی وضع و مذاکرات مهمی در اطراف آن میشدند. این عادت نیکوی شان از نسل بنسل انتقال کرده بود که در امور مهمه دینی و دنیوی خودها اجتماع عمومی نموده و در اطراف قضایای مهمه حیاتی مذاکرات نمایند و ترانه های دینی و غیره را بی هم سروده ازان لذت برند، اگر خوب دقت شود اکثر این عادت بر گرفته نیاکان یا عادت نیکوئی که در طبیعت و آب و هوای سرزمین کایسا حل و مزج بوده و بفرزندان خود مفت و رایگان اهدا میکنند در اکثر نقاط پشاهه می رسد مگر آن اجتماع بطرز دیگری بوده و این اجتماع کیفیت دیگری دارد و چه هر عصر و زمان تاثیرات بازر و مهمی از خود داشته و دارای امتیازات و خصوصیات جدا گانه می باشد. چنانچه قبلاً اظهار نمودیم که راجع به بعد شلو کجا حکایات و روایات حیرت انگیزی بیاد کار مانده است که همگان حکایات تاریخی و افسانه های دلچسبی است راجع به کایسا لهذا از ترجمه و نگارش آن قسمتها فر و کوتا شد ننموده تا اندازه که شبن هوی لی ازان خاطرهما بغا طر سیرده مانیز آنها را در جنو چشم خوانند گران گرامی خویش میگزاریم اینک می رویم بطلب : گویند پادشاه و حکمدار شرارت پیشه و ظالمی در خطه مهذب کایسا روی کار آمد. وی اراده نمود تا بعد شلو کیارا آتش زند جواهرات گران بهای آنرا بتاراج برد. لهذا با عناصر باغی و طاغی خویش عزم آنصوب نمود و شتابان همی رفت تا که چشمش به بعد افتاد. امر کرد که تحت قدمهای پادشاه بزرگ روحانی را از هم شکافته جواهرات را ببلند آرد، مگر او را بیکه بتخریب و تخریب معبد لشکر بان وی شروع نمودند فقط به همان لحظه تصور بر طوطی کوچکیکه بقسمت بالائی هیکل پادشاه روحانی نهاده شده بود پرافشانی کرده و بال هارا از هم گشوده به تاله و فریاد در آمد زمین بلرزید. زلزله مدهشی کوه و کهر را بجنبش در آورد و روی هم پاشید. ازین روی داد و پیش آمد تا گهانی پادشاه و همراهانش بخوف اندر شده و از غایت ترس بپهوش گردیدند و بیای کوه مرده سان دراز افتادند پس از آنکه پهوش آمدند از کرده پشیمان شده به محل خویش برگشتند.

علاوه کنند که معبد مذکور دارای ستویه ها بوده و از کسنگره ها و حلقه ها دورا دور عمارت زیست یافته و هنگامیکه یکی ازان حلقه ها و کسنگره ها از هم گسیخته شوند و به بنای معبد جزئی ترین نقصان و خرابی پیش شود و وظیفه روحانیون و مو کلین آنست که از جواهرات استفاده نموده آن را در دوباره ترمیم و تعمیر کنند. غیر از آنها شخص دیگری یا آنها اگر برای مقصد غیر از ترمیم و تعمیر معبد یعنی استفاده سوء و ناجایز از جواهرات مذکور نمایند در آن وقت بصورت آتی زمین می لرزد و رعد می فرود و ترس و وهم از چهار طرف بروی یهن و مستولی میشود، اینست که احدی جرأت نزدیک شدن آن را ندارد.

روزی استاد قانون با جمع غفیری از روحانیون و مردمان کاپیسا برخورد نمود و در آن مجلس حضور بهم رسانید - حاضرین و اهل مجلس گرد آمده متحداً از وی درخواست و التیجا نمودند تا اگر ایشان را بر پیروزی مقصدشان که بدست آوردن دینینه معبد جهت ترمیم و تعمیر بود یاری نماید و بمنزل مقصود و شاهراه کاپیسا میابی شان رهنمونی کنند چه آنها معتقد بودند که تنها این شخص است که میتواند شکل بسته شان را کشوده و حل معانی که آنها را بخوف و وهم اندر ساخته است بنماید . سپس دو باره بنذاکرات خودها ادامه داده و در اطراف و پیرامون قضایای غامض و پیچیده خردهها بیچیدند و گرم مباحثه و مذاکره شدند .

بعد از آن استاد قانون با ذوات مذکور بطرف منزل پادشاه روحانی ( جانی که مجسمه پادشاه روحانی نهاده شده ) روان شده و بکمال احترام و تضرع اظهار نمود : در ازمنه خیلی دور از امروز شهزادگان چینی ( یرغملان شاهی ) درین محل اشیای قیمتی را بودیعه جهت ترمیم و تعمیر سر از نو معبد گذارده اند تا بوقت مناسب از آن استفاده شود اکنون آن موقع فرارسیده تا جولهرات را بدست آورده بعارض استفاده گزاریم - ما امروز بحضور شما ( مجسمه پادشاه روحانی ) بریا ایستاده التیجا مینمائیم که تا حقایق مطرب و مقصد ما را تائید و تصدیق فرمایند و ما را تقویه کنند - لحظه از قوه همایونی و با عظمت خویش جلو گیری نمایند - استفاده بی مدعا و خالصانه ما را اجازه دهند ....

اخیراً با امر و اجازه وی ( پادشاه روحانی ) بتحریر و کنندن جای دینینه شروع کردند . آن محل را باندا زه هفت یا هشتت عمیق حفر نموده تا اینکه بطرف بزرگ مسی تصادف کردند که هریک حاوی زرسرخ و طلا تومان های مروارید و لوه لوه شهوار بود . جمع غفیر مذهبی از مشاهده آن مبهوت ماندند و از مسرت و خوشی قلوب شان لبریز و مالا مال گردیده شکرانه بها آوردند . آنچه از زحمات و عرق ریزی خویش بدست آورده بودند بدون آنکه ذره بشک و تری بدین به ایشان راه دهند جمله کی را به پیشگاه استاد قانون تقدیم کردند .

یاد شاه آن روزه کاپیسا که شخص خشن و ناعلمندب ؛ داز مشاهدات عقاید دینی مردمان بادینت و مهنب این سر زمین بودیزم بحیرت فرورفت . لحظه در اطراف همچو عقاید متین و صنایع نفیس اندیشیده و در نتیجه کاملاً گرویده « طریق بزرگ نجات بودیزم » گردید . تا به اندازه معتقد عقاید بردانی گردید که شب و روز در محافل مذهبی و مؤسسات دینی بارو حانیون شرکت ورزیده و به موعظه های بی آلابش شان گوش میداد . وی از مناظره ها و مشاجره های مذهبی و خطابه های دینی و مباحثاتی که علمای بودیزم با هم می نمودند نهایت حظ می برد و بگوش هوش می شنید . وی از استاد قانون و « یرجنا کره » و « دا کترسه پی ته کاس » محترمانه خواهش نمود که در مجلس و کافرانس عمومی مذهبی که در معبد طریق بزرگ بودیزم بایستی انعقاد یابد شرکت نمایند و محفل مباحثه مذهبی از وجود شخص دا کترسه پی ته کاس که اصل نامش « مزر جونا گهوشه » یا « مونو - چه - کیو - شه » میباشد مزین گردد . اشخاص نامی و روحانیون مقتدر دیگری همچو « سه - یر - نو - آ - ای - بی - فر - مر » که مدرس اعظم مدرسه آریه و رمه یعنی مدرسه « سهرا

رواس تیوادیم» همچنان مرد روحانی و معلم بزرگ مکتب «مر-شه-سپه» یا «ماه‌ی شاسر با» که در آن روز گاران بنام مکتب «کونا پوتو» یا «گونه بهبوده» مسی و شهره آفاق گردیده بود، نیز از جمله دعوت شده گان درجه اول بشمار می رفتند. این روحانیون از شخصیت های برجسته مدارس و معابد فوق الذکر محسوب میشدند. اگرچه دانش و معلومات شان آنقدر عمومی نبود ولی به آنها معتقدین و شاگردان بی شماری داشتند این هم نا گفته نماند که بعضی از ایشان بزرگ و طریق کوچک نجات و جنبه معتاد طریق بزرگ نجات بودند....

روحانیون همگان بیاس خاطر پادشاه کایسا بروز موعود حضور بهم رسانیده و یک مجلس بی سابقه ترتیب یافت که روحانیون بایک جوش و خروش مذهبی گردهم جمع آمده بعد و فصل غوامض مذهبی و دینی پرداختند و از هر طرف سوال و جواب های معقول و نواهای مذهبی و سرودهای عشقی و تصوفی از جنجوره های اراده بیرون میشد و بی اختیار بیننده و شنونده را وجد و جذبه دست میداد استاد قانون که دانش سر شاری داشت و با تمام اصول و طرق مختلفه مدارس بو دانی آشنا بود و هر یک را بیکان بیکان طرف مباحثه و مذاقه کشانده و امتحان ها می نمود و خودش نیز حاضر بود با سوالاتی که بوی راجع می شد جوابات معقول و خاموش کن دهد - و بغوی می توانست سوالات تمام کسانی که بوی مراجعه میکردند سبق اصول و مقررات مختلفه دینی شان جواب داده و بقناعت ایشان بپردازد لهذا تمام روحانیون و علمای دینی مجبوراً بدانش و تفوق وی اقرار کردند.

این مجلس مذهبی با گرم جوشی های بی مثل و نظایح اطمنان بخش برای پنجروز مکمل دوام کرده و بروز پنجمین مباحثات و کلماتی ها بی پایان رسید - پادشاه را مسرت فوق العاده از شنیدن مباحثات و خطابه های مذهبی دست داده و هر یک را فراخور حال آن عطیه ها و صلعه ها بخش کرد. به خداوند قانون که ممانعت و شطارت فوق العاده از خود ابراز نموده بود و پنج عدد پارچه خامک دوزی بخشید چه این پارچه ها از کران بهاترین صلات آن دوزی محسوب می شد و بر روحانیون دیگر عندالمراتب تجایف دیگری اعطا کرد و نوازش شان نمود.

فصل بارندگی و دوره بارانی سراز نو گرفت و باز آغاز یافت. سکوت و خاموشی حکم فرما شد - ایام استراحت و تعطیل عمومی فرارسید و دوره جوش و خروش و کاروبار عقب نشینی نمود شیرازه دوران توقف بارانی از هم پاشیده شده و روزهای تیره ابرناک و شلک باران در معبد شلوکیا و اطراف آن هجیم آورد. روحانی بزرگ پرجنا گره بمنزل خویش باز گشت و پس از لبیک گفتن خواهش توخا را پادشاه کایسا اعزاز و اکرام یافت. استاد قانون کایسا را بنظر بصیرت و از زاویه نگاه بودیزم مطالعه کرده و خاطرات فراموش ناشدنی را با عمیق قلب خویش جاداد و نغم محبت کایسای مذهب و متمدن دوره بودیزم را بسینه خود کاشت و مزایای معابد بی شمار کایسا را بغوی خاطر نشان نموده و بیکایک آنها در خاطر سپرد و اخیراً از پیشرفت خود بجانب شرق کایسا جلو گیری کرده و بطرف جنوب آن بقاصه (۶۰۰) لی قدم فرا کشید و بوادی امیا کا یا نعمان که آنها مهد پرورش بودیزم بود رسید و محل اقامت افکند. «متبع محمد فاضل»